



امام صادق(ع) مصدر حقیقی صدق و صداقت در فهم علم است

قوام حقیقی فقه پویای شیعه از زمان امامت امام صادق(ع) بر تارک فقهی تاریخ اسلام نقش بست. او هنوز مصدر حقیقی صدق و صداقت در فهم حقیقی علم است.

قوام حقیقی فقه پویای شیعه از زمان امامت امام صادق(ع) بر تارک فقهی تاریخ اسلام نقش بست. او هنوز مصدر حقیقی صدق و صداقت در فهم حقیقی علم است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-حامد سرلکی: قال الصادق (ع) : مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَمَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِی مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَمَّمَ لِلَّهِ / هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد [۱]

اگر گوش های خود را از غبارِ نا آگاهی و شنیدن های تکراریِ فهم مذهبی باز کنیم ، صدای قدم های آرام و با طمأنینه ی مردی از تبار هاشمیِ قریشی را نزدیک مسجد پیامبرِ واپسین ، محمد مصطفی (ص) خواهیم شنید. جعفر بن محمد؛ ملقب به صادق (ع) ، راستگو پیشه ای که در زمان گریبان دریدن های شاهزادگان مغرور اموی و عباسی مجالی یافت که علم شکافته شده به دست پدرش را که به گفته ی پیش گویی رازآلود پیامبر (ص) شکافته علم انبیا و اولیاست [۲] در هم آمیخته و فهمی نو از فقه ، اصول ، کلام و علوم استدلالی چون هندسه و طب و ستاره شناسی را چون تاج یاقوت و زبرجد نشان بر سر بشریت بگذارد.

در مناعت طبع او همین بس که نه باب شورشیان کیسانی مذهب [۳] هم دست شد و نه با تقاضاهای ابومسلم خراسانی من باب حکومت ؛ نقلیست مشهور که ابو بکر حضرمی؛ آن را چنین روایت کرده است : «آن زمانی که به محضر ابوعبدالله جعفر صادق (ع) مشرف شدم ، هنگامی بود که پرچم های سپاه در خراسان برافراشته بود ، از آن حضرت اوضاع را سؤال کردیم آن حضرت فرمودند: «در خانه های خود بنشینید هر وقت دیدید ما گرد مردی جمع شده ایم با سلاح به سوی ما بشتابید.» [۴]

جهالتِ غرور و بد مستیِ شمشیری که روز مسلمانان در بدل به شب سیاه کرده بود باعث شد که صادق آل محمد (ع) آگاهی در سایه ی علم را بر تباهی در سایه ی ماجراجویی ترجیح دهند. او را باید مصداق بارز علم امامت دانست ، بارها فرموده بودند که مقام ولایت و امامت آن چیزی نیست که با خواست سیاسی مردم تحقق یابد. گرچه باطنا ریشه این امر در مافوق طبیعت است اما بر هر امامی شانی و بر هر حجتی وظیفه ای است و امام بر حسب رسالت خود ولایت می کند و بر حسب خواست صرفی مسلمانان نمی تواند علم قیام را در دست گیرد [۵]. به همین جهت است که قوام حقیقی فقه پویای شیعه از زمان امامت وی بر تارک فقهی تاریخ اسلام نقش بست.

چیزی که امروز به نام جعفری؛ فقه جعفری - شیعه جعفری؛ مصداق دارد. تراوش این علم چنان بود که از برخی شاگردان وی گران نام هایی در علوم استدلالی و از برخی نیز فقها و محدثانی درجه اول به مثابه یاوران حقیقی احکام اسلامی به وجود آمد. در برخی اسناد تعداد شاگردان بدون واسطه ی حضرت از سه هزار تا پنج هزار نفر تخمین خورده است که گویی برخی از این اکابر در محضر باقر العلوم (ع) نیز کسب علم و فضیلت کرده اند. از حقیقی ترین شاگردان آن معلم بزرگوار می توان به مالک بن انس [۶] ، جابر بن حیان [۷] ، ابوحمره ثمالی ، واصل بن عطاء [۸] و ابوحنیفه [۹] و هزاران عالم و مجتهد دیگر نام برد.

تمامی این اکابر در دست نوشته های خود بارها و بارها بر دانایی و اجتهاد حضرت نسبت به عموم مسلمین اشاره داشته و وجود معلمی این چنین را مایه ی سرفرازی نسل بشر دانسته اند. اما این رسم امام کنشی و مخاطرات سیاسی حیات در عصری که جاهلان را بیشتر بهاء داده و اندیشمندان را خار و زبون می کنند چیزی جزء فروختن صدای حقیقت در بین جرعه های سمِ عباسی نیست.

ابوعبدالله امام صادق (ع) با پنج تن از خلفای اموی به نام های هشام؛ بن زینب؛ عبدالملک؛ ولید بن زینب؛ یزید ، یزید بن زینب؛ ولید ، ابراهیم؛ بن زینب؛ مروان؛ حمار؛ و دو تن از خلیفگان عباسی (سفاح؛ منصور) هم عصر بودند ؛ اما در این میان دومین خلیفه ی عباسی ؛ منصور دوانیقی ؛ رشد و همگرایی مردم حجاز به فرزندان علی (ع) را برتافت و در نامه ای به حاکم وقت مدینه از وی

خواست تا به امامت ائمه شیعه خاتمه دهد.

معلم جهان اسلام ، در روز ۲۵ شوال به سال ۱۴۸ ه.ق در شهر پیامبر (ص) چشم از جهان گشود. از وی می توان میراث جدید «نص امامت» یعنی همان عدم انقطاع امامت و جانشینی در امامت به وسیله ی نص امام پیشین را نام برد. ودیعه ای که پس از آن ، تمیز دادن حجت خداوند بر زمین از مدعیان امامت آسوده تر شده و آن را به صرف وصیت امام حی منوط می کند.

او که هنوز مصدر حقیقی صدق و صداقت در فهم حقیقی علم است ، با گذاردن چندین و چند صد حدیث معتبر اخلاقی و احکامی چراغ راهی شد که امروز بتوان صدای درس های بی شمارش ، صدای انبوه جمعیت به صف شده در مدرسه اش را بشنویم. رواست اگر متالم از نبود چنین میراث دارانی باشیم که تنها بروز جابر بن حیان قطره ای از اقیانوس بی مقدار علم آن هاست و خروش موج های آگاهی در ذهن راکد بشر ، مدیون توانگری و دلسوزی آن ها به نسل پس از خود بوده است.

پی نوشت ها:

- ۱- الذریعه الی حافظ الشریعه (در شرح اصول کافی) ، رفیع&zwj&الدین محمد بن مؤمن گیلانی جلد اول ، صفحه ۵۶
- ۲- قال النبی (ص): «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ; يَقْرُءُ عِلْمَ الدِّينِ بَقْرًا; أَي شَقَّه شَقًّا وَ اظْهَرَهُ اظْهَارًا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (امام باقر علیه السلام) می شکافد علم را شکافتنی و آشکار و ظاهر می سازد آن را ظاهرکردنی (منبع: الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید ، جلد دوم ، صفحه ۱۵۹)
- ۳- کیسانی ها معتقدند که امامت پس از حسین علی (ع) به محمد حنفیه سده و وصی وی مختار تقفی بوده است. این گروه در عصر حاضر جز فرقه های منقضی تلقی می شوند.
- ۴- شرح کامل تر در کتاب شخصیت و قیام زید بن علی ، سید ابوفاضل اردکانی، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۵- شرح الاخبار فی فضایل الائمه الاطهار ، ابن حیون ، جلد سوم ، صفحه ۲۹۹
- ۶- امام فقهی مذهب مالکی
- ۷- پدر علم شیمی
- ۸- رهبر فرقه کلامی «معتزله»
- ۹- امام فقهی مذهب حنفی